



۲۰۱۹/۰۳/۱۲

بابر شاه ابراهیم خیل

خلای قدرت



سلام و عرض ادب خدمت افغان های وطن دوست و با عزت. می خواهم نکاتی چند پیرامون حوادث ۱۹۹۲ و وضعیت سیاسی امروز وطن عزیز ما افغانستان که اوضاع آن مشابح به سال (۱۹۹۲م) است به عرض برسانم. خلالی قدرت چیزی را که نجیب الله بعد از اعلان مشی مصالحه ملی همیشه در صحبت های خود یاد آور می شد و عواقب ناگوار آنرا پیشگوئی می کرد.

بعد از آنکه نامبرده در موجودیت قوای شوروی در افغانستان روز آمدن قوای شوروی را روز تجاوز و روز برآمدن آنرا روز نجات ملی افغانستان اعلان کرد روس ها ارتباطات خود را که قبلاً با تنظیم های جهادی بلخصوص جمعیت اسلامی داشتند بیشتر و بیشتر ساختند تا اینکه در ماه جون سال ۱۹۹۰ یک هیأت از رهبران جهادی تحت ریاست استاد برهان الدین ربانی جهت ملاقات با ایلسن وارد مسکو شدند. این ملاقات بود و تسلیم دادن افغانستان بدون آنکه دولت کابل از آن آگاه می بود به تنظیم های جهادی که در رأس آن استاد ربانی قرار داشت. البته باید گفت که کودتای ۱۹۹۲ پروژه مشترک KGB و ISI بود از یک طرف افتخارات جهاد افغانستان را در پای روس ها انداختند و از طرف دیگر اردوی افغانستان را که پاکستان سخت از آن هراس داشت با دولت افغانستان به گودال نابودی سپردند. روسها با دامن زدن به مسایل قومی و زبانی توانستند یک تعداد بزرگان حزبی مانند وکیل وزیر خارجه، فرید احمد مزدک پیگیر محمود بریالی کاویانی و... (باید متذکر شد که آغای وکیل وزیر خارجه به نمایندگی از گروپ خود قرار داد جبل سراج را در پشته سرخ با قوماندان مسعود به امضاء رساند نه به نمایندگی دولت.

همان بود که طرح ملل متحد ناکام و بربادی افغانستان شروع شد. (جنرالان و افسران غیر پشتون اردوی افغانستان را با تنظیم جمعیت اسلامی متحد ساخته کودتای ۸ ثور ۱۹۹۲ را سازمان داده طرح بنینسیوان را) شورای بیطرف از جمع شخصیت های ملی و قومی برای ۶ ماه بعد انتخابات آزاد ناکام و کشور را به طرف جنگ داخلی تنظیمی و قومی بردند که باعث از بین رفتن قویترین اردو که در منطقه بود شد همچنان شهر کابل به خاکدان خاک مبدل گردید و انسان های آن یا میخ به سر شان کوبیده شد و یا زنده در کانتینر ها آتش زده شدند (ماخذ در یوتوب "کودتای ۸ ثور سال ۱۳۷۱" و معاهده جبل سراج پشته سرخ). با وجود آنکه روس ها حکومت وقت را حمایه و پشتیبانی می کردند اما وقتی که دیدند که افغان ها با هم جور می آیند به هر رقم که باشد و دیگر منافع نامشروع ما بالای شان تحمیل شده

نمی تواند دست به از بین بردن مرکزیت دولت، بی ثباتی و توطئه زدند.

بنده به این واقعه خائنه و نابخشودنی به خاطری تماس گرفتم که وضعیت فعلی افغانستان و منطقه به همان حالت سال ۱۹۹۲ می ماند به این معنا که باز بازی بدون دولت افغانستان پیشبرده می شود به طور مثال بعضی چهره های سیاسی مثل استاد محقق، عطا محمد نور و . . . آغایی غنی را متهم به سیاست طالبانی می کردند از عان مردم را مغشوش می ساختند حال چطور یکی و یکبار آماده استند که با طالب ها دولت بسازند و یا اینکه طالبان در همین مدت ۱۷ سال با دولت افغانستان مذاکره نمی کردند و می گفتند به خاطری ما با دولت افغانستان مذاکره نمی کنیم که قاتلین طالبان، قاتلین شهریان کابل چور و چپاولگران و جواسیس خارجی ها را در داخل دولت در پوست های بزرگ جا داده اند سؤال اینجا پیدا می شود که چرا طالبان حاضر هستند که با همان مهره های اصلی چور، بی ثباتی جواسیس قتل و زر اندوزان مذاکره کنند نه با آغایی اشرف غنی و دولت افغانستان که دارد آهسته آهسته به طرف مرکزیت اداری اقتصادی وحدت ملی و استقرار سیاسی می رود.

به نظر بنده اگر برادران طالب ما با دولت افغانستان یکجا شوند و یکدولت قوی مرکزی را تشکیل بدهند چشم تمام دشمنان افغانستان کور می شود آرامی در سراسر کشور برقرار می شود زمین های خوب سرمایه گذاری بوجود می آید و ۳۷ میلیارد دالر سرمایه تخمین زده شده افغان ها این وطن را گل و گلزار می کند و نه کسی طرف آب و خاک آن (دیورند) به چشم بد دیده می تواند و همین نیروهای مسلح امروزی جمع برادران طالب امنیت خود دولت و مردم افغانستان را گزنتی می کنند. تشکر ابراهیم خیل

زنده باد افغانستان متحد و آزاد



خلای قدرت

ebrahimkhail_baborshah_khalaaye_qodrat.pdf